

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نام اثر: تلخیص امامت و رهبری شهید مطهری

نام پدید آورنده: محمد شریفی

نام مدرسه: مدرسه آیت الله بهجت رحمه الله علیه

بعد از وفات پیامبر اکرم صلوات الله علیه نزع در میان مسلمین بر سر خلافت و جانشینی پیامبر اکرم در گرفت که به موجب آن عده ای حضرت امیرالمؤمنین را به عنوان جانشین پیامبر قبول کردند و عده ای ابوبکر را به عنوان جانشین ایشان قبول کردند بعد از این ماجرا بود که مسلمین به دو گروه بزرگ شیعه و اهل تسنن تبدیل شدند و پیوسته برای اثبات حقانیت خود به نزع در این مورد پرداختند . این نزع گسترده که بر اثبات حق است تا به امروز ادامه دارد و یقیناً تا ظهور مهدی آل محمد ادامه خواهد داشت.

در قرن های گذشته و در قرن اخیر علماء شیعه بسیار تلاش نمودند تا حقانیت خود را اثبات کنند و در راه این مهم بسیار تلاش نمودند تا جایی که علامه امینی رحمه الله علیه برای نوشتن کتاب الغدیر به خدمتکاری در کتابخانه های اهل تسنن مشغول شد تا بتواند از منابع ایشان برای اثبات این امر پر اهمیت استفاده بنماید.

یکی از دانشمندان شیعه که در قرن اخیر این موضوع را بارویکردی جدید بیان داشت علامه شهید مطهری بود. ایشان در یک سلسله سخنرانی به این موضوع پرداختند که این سلسله سخنرانی بهد از شهادت ایشان در قالب کتابی به عنوان «امامت و رهبری» منتشر گردید که این اثر پیشرو تلخیص آن کتاب ارزشمند شهید مطهری است. قابل ذکر است با توجه به اینکه متن این کتاب سخنرانی های شهید است لذا تغییرات جزئی در ترتیب متن بوجود آمده است و همچنین سؤالاتی که از شهید پرسیده شده و ایشان پاسخ دادند در این اثر استفاده نشده است. امید است که توانسته باشم این کار مورد رضایت خداوند تبارک و تعالی واقع شده باشد.

امامت در مذهب شیعه از چنان اهمیتی برخوردار است که آنرا در کنار توحید و عدل الهی در اصول الدین قرار میدهند اهل تسنن نیز به امامت اعتقاد دارند ولی نه به این شکل که در شیعه موجود است .

شیعیان برای امامت سه شأن در نظر میگیرند:

الف) حکومت بر جامعه ی اسلامی . امامت به این معنا را اهل تسنن نیز قبول دارد ولی با شیعه در روش انتخاب و مصداقش تفاوت دارند.

ب) امامت به معنای بیان دین به همراه عصمت که اهل تسنن این مورد را جز برای انبیاء قائل نیستند.

ج) امامت به معنای ولایت معنوی است . یعنی شیعیان میگویند باید در هر دوره ای یک انسان کامل وجود داشته باشد در غیر این صورت جماعه مشهور: «**لولا الحجه لساخت الارض باهلها**» که برگرفته از روایات میباشد تأویل میشود.

باید دانست که مناقشه ی شیعه با اهل تسنن در مورد حکومت و بیان دین است نه در مسئله ولایت.

طرح غلط مسئله

بعضی از شیعیان برای اثبات حقانیت خود در مسئله امامت بحث حکومت بعد پیامبر را پیش کشیده اند و بعد هم بیان کرده اند حکومت جانشین پیامبر منصوص بوده این دسته از شیعیان در واقع اشتباه کرده اند چرا که حکومت فرع بر امامت به معنای بیان دین است یعنی اگر بتوان امامت را به عنوان بیان کننده دین که معصوم است ثابت کرد حکومت هم برای چنین شخصی ثابت میشود چرا که اگر فردی عالم دینی بدون خطا و متصل به منبع وحی باشد دیگر جای حکومت برای دیگران باقی نخواهد ماند مانند زمان نبی اکرم که شخصی بر روی حکومت ایشان حرفی نداشته همچنین دیگر سخن اهل سنت مبنی بر دمکراسی در حکومت دیگر جذابیت خود را از دست میدهد.

امامت نزد متکلمین

خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب تجرید بیان کرده است: الامام لطف. یعنی بعد از پیامبر با توجه به اینکه فرصت کافی برای بیان دین در زمان نبی اکرم نبوده و اسلام خاتم ادیان الهی است لطف خداوند ایجاب میکند که بندگان خود را هدایت کند به بیان دیگر باید برای بندگان کارشناس دینی دیگری بفرستد که عاری از خطا

وانحراف باشد این حرف مستلزم آن است که امام معصوم باشد چراکه در غیر این صورت امکان اشتباه در دین وجود دارد همان طور که عصمت را بر نبی اکرم لازم میدانستیم. از دیگر علل عصمت امام حدیث ثقلین است که در بسیاری از مصادر اهل تسنن با همان لفظ کتابی و عترتی هم بیان شده است چرا که شیعیان می گویند پیامبر امت را بعد از خود به کتاب و عترت دعوت کرده آیا پیامبر مردم را به چیزی دعوت میکند که احتمال اشتباه در آن وجود دارد. علمای شیعه از بحث عصمت به این نتیجه میرسند که امامت باید تنصیصی هم باشد چرا قابلیت تشخیص معصوم از عهده ی مردم خارج است بخاطر همین مطلب است که نبی اکرم از سمت خداوند نصب شدند نه از سمت مردم. حال باید گفت که این موارد چه ربطی به امیرالمؤمنین علی علیه السلام دارد که شیعیان قائل به امامت ایشان اند. شیعیان بیان میکنند که صفاتی که بیان شد مختص در امیرالمؤمنین است خود اهل تسنن ابدا معتقد به چنین صفاتی در مورد خلفاء نیستند همانطور که خلفاء در موارد متعدد اظهار به عدم توانایی و خطا کرده اند. علاوه براین موارد نصوصی از پیامبر اکرم مبنی بر ولایت امیرالمؤمنین رسیده است که خود اهل تسنن در منابع خویش ذکر کرده اند مانند: داستان یوم الایذار و حکم نبی اکرم به سلام دادن به علی علیه السلام با وصف إمرء المومنین حدیث منزلت و داستان عدم پذیرفتن ایمان قبیله ای مشروط به اینکه جانشین حضرت از آن قبیله باشد .

امامت در قرآن

در این قسمت به بحث در مورد آیات موجود در باب امامت در قرآن پرداخته میشود.

اولین آیه مورد بررسی آیه معروف به آیه إكمال دین است که خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم میفرماید:

...الیوم یسی الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم واخشون الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت

لکم الاسلام دینا...^۱

برای توضیح این آیه ابتدا باید فرق میان إكمال و إتمام بیان شود. اتمام یعنی حضور کلیه اجزاء یک چیز ولی کمال به معنای رسیدن به بلوغ در یک شیء است در این صورت اتمام یک شیء به معنای إكمال آن نیست. در این آیه بیان میشود که اسلام هم تمام شده وهم کامل. اما بحث اصلی ما در مورد کلمه **الیوم** است. این کلمه به چه روزی دلالت دارد؟ مفسرین موارد مختلفی را بیان کرده اند همانند روزبعثت، روز فتح مکه و روز قرائت سوره برائت در مکه توسط امیرالمؤمنین علیه السلام اما در تمامی موارد با توجه به شواهد تاریخی دین اسلام به سر حد

۱.سوره مائده آیه ۳.

کمال و تمام خود نرسیده است و این مخالف نص صریح آیه است. بیان شیعه در مورد این روز چیز دیگری است که بر این بیان دلیل هم دارد و کلمه الیوم را مطابق با روز غدیر خم میدانند. که از جنبه تاریخی کتب متعدد که نوشته خود اهل سنت نیز هست همانند تاریخ یعقوبی بر این موضوع تاکید میکنند. از دیگر شواهد شیعیان بر ادعای خود شواهد و قرائن موجود در خود آیه است. در این آیه خداوند میفرماید که امروز کفار از شکست دین شما نا امید شده اند این در صورتی است که خداوند تبارک و تعالی با هر مسلمینی را از اقدامات کفار چه اهل کتاب و چه غیر آنها تحذیر مینماید ولی در اینجا میفرماید: «**لَا تَخْشَوْهُمْ**» از آنها نترسید «**وِاِخْشَوْنِي**» از من بترسید یعنی خداوند علیه دین خود اقدامی انجام میدهد؟ خیر. بلکه اگر این آیه را در کنار آیه: «**إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يَغْيِرُوا مَا بَأْنَفْسِهِمْ**»^۲ خواهیم فهمید که منظور خداوند اینست که دینتان از شر دشمنان خارجی در امان است ولی این نعمت در صورتی که شما تغییری نکنید برای شما باقی خواهد ماند در غیر این صورت خود من هستم که این نعمت را از شما زائل میگردانم؛ به عبارت دیگر از این روز خطر از داخل تهدید میکند که همان عدم پذیرش ولایت امیرالمؤمنین است.

..... انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا.^۳

ابتدا باید دانست منظور از رجس چیست در واقع رجس تمام آنچه است که در قرآن به عنوان گناه یاد شده است پس این آیه نشان دهنده عصمت است در حالی که اگر این آیات در مورد زنان پیامبر اکرم بود اولاً نباید ضمیر مذکر میشد و طبق آیات ماقبل و مابعد از ضمیر مؤنث استفاده میشد. ثانیاً در قبل زنان پیامبر به عقوبت دوبرابر گناهانشان ترسانده شده اند و حال نمیسازد که بعد از آن تحذیر شدید و احتمال وقوع گناه برای ایشان جمله ای با مضمون مدح و پاکی از گناهان در مورد ایشان بیان شود. ثالثاً از لحاظ حدیثی در متون اهل سنت داریم که ام سلمه سلام الله علیها به نبی اکرم عرض کردند که آیا من از اهل بیتم؟ نبی اکرم در جواب فرمودند تو به خیر هستی ولی از اهل بیت نیستی.

آیه دیگر درباره عهد امامت است که خداوند به حضرت ابراهیم تفضل فرمود و در قرآن کریم بیان داشتند: «**لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ**»^۴ و در مورد امامت حضرت ابراهیم در سوره زخرف میفرمایند: «**وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ**»^۵

۲. سوره رعد آیه ۱۱.

۳. سوره احزاب آیه ۳۳.

۴. سوره بقره آیه ۱۲۴.

۵. سوره زخرف آیه ۲۸.

از مفهوم ی دو آیه برداشت میشود که امامت در نسل حضرت ابراهیم باقی میماند ولی به ظالمان نسل ایشان نمیرسد حال باید فهمیده شود که منظور از ظالمین چه کسانی هستند؟ اگر بخواهیم فرزندان حضرت ابراهیم را تقسیم کنیم به این صورت است که بعضی همیشه ظالم اند بعضی خوب بوده اند و بعد ظالم شده اند که پر واضح است که حضرت ابراهیم عهد امامت را برای این دو دسته نمیخواست است اما دو دسته دیگر باقی میمانند که عبارت اند از کسانی که همیشه خوب بوده اند و کسانی که ظالم بوده اند و بعد خوب شده اند و در این جا است که خداوند میفرماید: **«لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»**.

آیه دیگر آیه ولایت است که خداوند میفرماید: **«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ بِحُبِّهِمْ وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ بِحُبِّهِمْ وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ بِحُبِّهِمْ وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ بِحُبِّهِمْ»** و **«وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»** در دستورات اسلام دستوری مبنی بر زکات در حال رکوع نداریم که شامل همه افراد شود پس این نشان دهنده یک واقعه خارجی است که هم اهل سنت و هم شیعه معتقد اند در شأن امیرالمؤمنین نازل شده است.

اما نکته ای در مورد آیات منتصب به اهل بیت است که انگار رمزی آنها را در ضمن آیات دیگر بیان کرده است. مثلاً آیه تطهیر قبل و بعدش درباره نساء النبی است بنابر شواهد موجود در روایات و تاریخ رمز این مسئله این است که هیچ دستوری مثل امامت نبوده که شانس کمی برای اجرا داشته باشد این به خاطر تعصبات قومی عمیق در میان مردم عرب بوده لذا نبی اکرم در مورد آیات منتصب به امیرالمؤمنین خوف این را داشتند که منافقین بگویند نگاه کنید دارد برای قوم خویش به اصطلاح نان میپزد که در آیه تبلیغ این مشهود است و خداوند میفرماید: **«إِنَّ اللَّهَ يَعْصَمُكَ مِنَ النَّاسِ»** اتفاقاً جریان های تاریخی هم بر این امر دلالت میکنند مثلاً در جایی خلیفه دوم گفته است که اگر علی علیه السلام را به عنوان خلیفه انتخاب نکردیم حیطة علی الاسلام بود یعنی بر اسلام احتیاط کردیم.

امامت از دیدگاه ائمه

روایتی است که امام صادق علیه السلام در اهمیت وجود امام میفرماید: «**إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو إِلَّا وَفِيهِ إِمَامٌ**» یعنی زمین هیچگاه از امام خالی نمیماند. و در جای دیگری میفرماید: «**لَوْ بَقِيَ اثْنَانِ أَحَدُهُمَا الْحَبَّةُ عَلَى صَاحِبِهِ**»^۶ روایت دیگر از امام رضا علیه السلام در مورد عدم درک جایگاه امام توسط مردم است که ایشان این روایت را بعد از شنیدن اخبار واصله به ایشان در مورد بحث مردم در مورد مسئله امامت است که ایشان فرمودند: «**جُهِلَ الْقَوْمُ وَ خُدِعُوا عَلَى آرَائِهِمْ**» اینها جاهل اند و در آراء خویش فریب خورده اند بعد در ادامه میفرماید: «**مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَكْمَلْ دِينَهُ فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ فَهَلْ يَعْرِفُونَ قَدْرَ الْإِمَامَةِ وَ مَحَلَّهَا مِنَ الْأُمَّةِ فَيَجُوزُ اخْتِيَارُهُمْ**» یعنی آیا مردم امامت را میشناسند که جایز بر انتخاب امام باشند؟ «**إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَ اعْظَمُ شَأْنًا وَ أَعْلَى مَكَانًا أَمْنَعُ جَانِبًا أَبْعَدُ غُورًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَنَالُوا بِآرَائِهِمْ**».^۷

نتیجه این میشود که با توجه به خاتمیت دین اسلام و نبود فرصت کافی برای بیان این دین در زمان نبی اکرم به صورت کامل باید شخصی معصوم که لازمه عصمت تنصیص از سمت خداوند است جانشین پیامبر در بیان دین و حکومت اسلامی باشد که این دو ویژگی جز در امیرالمؤمنین با توجه به آنچه گذشت پیدا نمیشود و نخواهد شد.

تقدیم به ساحت قدسی مولی الموحدين امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

۶. کافی. جلد ۱. کتاب الحجّة. صفحه ۲۵۱-۲۵۳.

۷. همان.

۸. همان صفحه ۲۸۳-۲۸۶.